

تأثیر مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی دانش آموزان ابتدایی و پیشرفت تحصیلی آن ها

رویا کرمی^۱، صابر شریعتی^۲، فاطمه صفری^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان کردستان پردیس بنت الهدی صدر سنندج (نویسنده مسئول)

^۲ لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان کردستان پردیس شهید مدرس

^۳ لیسانس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کردستان پردیس بنت الهدی صدر سنندج

چکیده

آموزش و پرورش به عنوان یک سیستم اجتماعی نتیجه سه نهاد عمده خانه، مدرسه و جامعه است. نقش و جایگاه مدرسه به عنوان مهم ترین شاخص جهت آموزش، پرورش و موفقیت دانش آموزان انکارناپذیر و حیاتی است. اما نمی توان جایگاه والدین و ضرورت مشارکت آنها را نادیده گرفت. والدین نقش عمده ای در تحول تحصیلی ایفا می کنند و کمک کردن در تکالیف درسی را رایج ترین شیوه مشارکت در نظر می گیرند که می تواند باعث پیشرفت عملکرد تحصیلی دانش آموزان شود. مشارکت والدین، طیف گسترده ای از مسائل از قبیل شکل دادن انتظارات در خصوص آینده تحصیلی فرزندان، کنترل و نظارت بر تکالیف، کمک به یادگیری و میزان حضور فیزیکی در مدرسه را در بر می گیرد. ماهیت مستقل و گسترده مشارکت والدین به عنوان یک متغیر و میزان تاثیرگذاری بالقوه آن در بازده های آموزشی می تواند یک موضوع پژوهشی موثر باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی دانش آموزان ابتدایی و پیشرفت تحصیلی آنها می باشد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بوده و روش جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و با مراجعه به کتابها، مقالات، پایگاه های اینترنتی و منابع الکترونیکی صورت گرفته است که ضمن بررسی اجمالی تعاریف پیشرفت تحصیلی و میزان مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی، تأثیر آن بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی تبیین می شود. نتایج نشان داد که مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی موجب پیشرفت آنان در عملکرد تحصیلی می گردد.

واژه های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، والدین، تکالیف درسی، دانش آموزان.

مقدمه

مشارکت والدین در امر تحصیل فرزندانشان، یکی از مباحث مهم و اساسی تعلیم و تربیت است. این امر بدان سبب بنیادی است که دانش‌آموزان نیمی از وقت روزانه‌ی خود را در خانه و با هدایت والدین خود می‌گذرانند. در قدیم مدارس، به مثابه موسساتی به حساب می‌آمدند که نقش والدین، فرستادن کودکان به مدرسه و حمایت از مدارس برای نظم دادن به فرزندانشان بود، اما امروزه این نوع مشارکت‌ها تغییر کرده است و والدین در سطوح متفاوتی در مدارس مشارکت دارند (ادیب و مردان اربط، ۱۳۹۵). تکالیف منزل دانش‌آموزان یا همان مشق شب از موضوعاتی است که سال‌ها مورد بحث و گفتگو بوده است. فارغ از نظرات موافق و مخالف در مورد اصل دادن تکلیف منزل به دانش‌آموزان، نحوه مشارکت و همراهی والدین در انجام تکالیف موضوعی مهم است که محققان و دانشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی آموزشی و تربیتی مطالعات بسیاری در مورد آن انجام داده‌اند. بسیاری از کشورها چه در محیط مدرسه و چه در سطح جامعه کمک والدین به کودکان در انجام صحیح تکالیف مدرسه کاری رایج و پسندیده است. یکی از معمول‌ترین کارهایی که والدین در طول روز به آن رسیدگی می‌کنند، چیزی نیست جز کمک به فرزندان خود برای تکمیل تکالیف مدرسه و در واقع حمایت تحصیلی آن‌ها. این در حالی است که مطالعات ضد و نقیضی در این خصوص وجود دارد. شمار زیادی از محققان در سراسر دنیا معتقد هستند که کمک والدین به فرزندان خود برای انجام تکالیف مزایای زیادی دارد. تثبیت عادات تحصیلی و آموزشی مثبت، رفتارهای مطلوب و همچنین انتقال پیامی قوی مبنی بر ارزشمند بودن کلاس درس و مفهوم آموزش از جمله نتایج همراهی والدین در انجام تکالیف فرزندان است. بنا به این مطالعات والدین نقش بسیار مهمی در زندگی و تحصیلات فرزندان خود دارند و قادر به افزایش موفقیت‌های تحصیلی آن‌ها هستند. به طور کلی هر میزان مشارکت والدین، در تحصیل فرزندانشان بیشتر باشد باعث پیشرفت عملکرد تحصیلی‌شان می‌گردد. بر این اساس والدین باید با آموزش لازم برای رسیدگی به امور درسی فرزندان خود برنامه‌های منظمی داشته باشند.

ادیب و مردان اربط (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان تجارب والدین از مشارکت در امر تحصیل فرزندان: یک تحقیق کیفی دریافتند که والدین در جریان مشارکت در امر تحصیل فرزندانشان نتایج مثبت و منفی زیادی را به دست آوردند که بر ادراکات آنان از این مشارکت و همکاری تاثیر داشته است. آشنایی برنامه‌ریزان با تجربیات والدین به عنوان حامیان دانش‌آموزان، نقش مهمی در رفع و یا حداقل کاهش تجربیات منفی و افزایش اثربخشی برنامه‌ها و رضایت بخشی آنان دارد.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام دادن تکالیف درسی با عملکرد تحصیلی در حوزه خواندن دانش‌آموزان پایه ششم دریافتند که والدین با کاستن از رفتارهای کنترلی و محدود کننده خود و ایجاد ساختاری مناسب در خانه که از قابلیت‌های فرزندانشان حمایت کند، می‌تواند شاهد بهبود و افزایش عملکرد تحصیلی فرزندانشان در حوزه خواندن شوند.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان تاثیر آموزش مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی بر انگیزش پیشرفت و اضطراب درسه دانش‌آموزان دریافتند که آموزش مشارکت والدین در انجام تکالیف بر افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی و کاهش اضطراب مدرسه دانش‌آموزان موثر بوده است. بنابراین می‌توان اذعان داشت که با بالا بردن کیفیت مشارکت والدین، می‌توان برخی از متغیرهای انگیزشی و هیجانی تحصیلی را تحت تاثیر قرار داد.

بنابراین همانطور که گفته شد از میان تمام چالش‌هایی که والدین در دوران تحصیل فرزندانشان در مدرسه با آن مواجه می‌شوند، مشکلات دانش آموزان در انجام تکالیف مدرسه می‌تواند بسیار استرس زا و کلافه کننده باشد. هم والدین و هم فرزندان اغلب هر سال مشتاق تعطیلات تابستانی هستند زیرا این به معنای اعلام آتش بس در جنگ تکالیف است. در عین حال مطمئناً گروهی از دانش آموزان نیز وجود دارند که با همان انرژی و اشتیاقی که هر روز به مدرسه می‌روند، به انجام تکالیف می‌پردازند. هدف نهایی مدرسه این است که بچه‌ها بر مجموعه‌ای از مهارت‌ها مسلط شوند تا بتوانند در بزرگسالی به طور مستقل عمل کنند. دستیابی به این هدف در صورتی آسان است که کودک بتواند در هر مرحله از راه، موفقیت را تجربه کند. بنابراین باید از تکالیف برای ایجاد حس موفقیت و تسلط در کودکان استفاده کرد. این باید یک هدف کلی باشد که والدین و معلمان هنگام هدایت کودکان در مدرسه، از روز اول مهد کودک تا آخرین روز دبیرستان، در ذهن داشته باشند. هدف اصلی پژوهش حاضر تاثیر مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی دانش آموزان ابتدایی و پیشرفت تحصیلی آن‌ها می‌باشد.

مشارکت والدین

از ویژگی‌های یک مدرسه موثر، مشارکت والدین و جامعه در آن است. در چنین مدرسی خانواده، کودک و جامعه در فعالیت‌های آموزش، یادگیری و همچنین فرآیندهای تصمیم‌گیری مدرسه شرکت دارند (حسینی و سامانی، ۱۳۹۱). والدین در حقیقت نقش عمده‌ای در تحول تحصیلی ایفا می‌کنند و کمک کردن در تکالیف درسی را رایج‌ترین شیوه مشارکت در نظر می‌گیرند که می‌تواند افزایش عملکرد تحصیلی و یا کاهش آن را در پی داشته باشد، این مهم بستگی به کیفیت و نوع مشارکتی دارد که والدین اعمال می‌کنند (دومانت و همکاران، ۲۰۱۴). بانگ (۲۰۱۱) نشان داد که کنترل مداخله گرایانه والدین باعث تضعیف انگیزه پیشرفت فرزندان و نادیده گرفتن تجربه حل مشکل توسط خود دانش‌آموز می‌گردد که اثرات منفی بر یادگیری می‌گذارد و همچنین باعث ایجاد اضطراب در دانش‌آموز می‌شود.

از سوی دیگر کارکرد خانواده، تأمین کننده سلامت جسمی و روانی اعضا خانواده است تا از این طریق سلامت جسمی و روحی آن‌ها را تضمین کند. روان‌شناسان نیز معتقدند والدین نقش مهمی در شکل دهی سلامت هیجانی کودکان، خصوصاً در دوران کودکی اولیه دارند (هادسون، ۲۰۱۳).

مشارکت اولیا می‌تواند در شکل و مدل‌های گوناگون انجام پذیرد به عنوان نمونه اپشتین و ساندرس پیوستاری از مدل‌های مشارکتی والدین به شرح زیر ارائه می‌دهند (فیز گرال، ۲۰۰۴):

مدل حمایتی: در این نوع مشارکت، والدین مسئول حمایت از تصمیمات مدرسه هستند و نقش متخصصان از والدین کاملاً متمایز است.

مدل از خانه به مدرسه: این مدل اهمیت خانواده را نمایان می‌کند اما بر ارتباط یک طرفه از خانه به مدرسه تأکید دارد و فرض را بر این می‌گذارد که والدین تصمیم‌های مدرسه را پذیرفته‌اند.

مدل اغنای برنامه درسی: این مدل بر مزیت‌های یادگیری مشارکتی بین والدین، متخصصان و کودکان تأکید دارد و دانش خانواده‌ها و جامعه را در برنامه‌ریزی درسی و فعالیت‌های یادگیری مهم می‌شمارد

مدل مشارکتی: این مدل بر اساس مشارکت مداوم، احترام متقابل و شرکت گسترده خانواده ها و متخصصان در سطوح مختلف مثل طراحی برنامه ها و تصمیم گیری ها بنانهاده شده است (بلاغت و همکاران، ۱۳۹۱).

مشارکت اولیا در مدرسه، نتایج مثبت و منفی فراوانی دارد، این مشارکت از یکسو شرایط آموزش و یادگیری را تسهیل کرده و به رشد همه جانبه کودک کمک می کند و انسجام و هماهنگی در ابعاد و مراحل مختلف تعلیم و تربیت به وجود می آورد. از سوی دیگر ممکن است این مشارکت ها باعث مختل شدن فعالیت های والدین، مانعی برای انجام درست وظایف و در کل باعث اختلال در چرخه زندگی والدین شود. به طور کلی هر میزان مشارکت والدین در تحصیل فرزندانشان بیشتر باشد و باعث بهبود امر یادگیری فرزندان و انجام فعالیت های مربوط به مدرسه شود به همان میزان باعث اختلال در زندگی والدین اعم از اختلال در انجام وظیفه، اختلال در انجام درست نقش ها، اختلال در مسئولیت پذیری، ارتباطات و دخالت عاطفی در خانه و خانواده می شود و مشکلاتی را برای والدین به وجود می آورد؛ که به این ها مشکلات نظام های خارجی و زمینه محیط بیرونی گفته می شود؛ و امروزه اکثر والدینی که فرزند محصل دارند چنین مشکلاتی را تجربه می کنند و این مشکلات را مدارس برای آن ها به ارمغان آورده است (ادیب و مردان اربط، ۱۳۹۴).

مشارکت والدین طیف گسترده ای از مسائل از قبیل شکل دادن انتظارات در خصوص آینده تحصیلی فرزندان، کنترل و نظارت بر تکالیف، کمک به یادگیری و میزان حضور فیزیکی در مدرسه را در بر می گیرد. ماهیت مستقل و گسترده مشارکت والدین به عنوان یک متغیر و میزان تأثیرگذاری بالقوه آن در بازده های آموزشی، می تواند یک موضوع پژوهشی مؤثر باشد (کاسترو و همکاران، ۲۰۱۵). از این رو یکی از اساسی ترین متغیرهای تحصیلی که ممکن است تحت تأثیر مشارکت والدین نیز قرار گیرد، انگیزه پیشرفت است (زلالی و قربانی، ۱۳۹۳). انگیزه صرف انرژی در تکالیف و چگونگی احساس فرد درباره آن ها را تحت تأثیر قرار می دهد. به ویژه انگیزه تحصیلی، انگیزه روان شناختی فراگیران است که به تمایل فرد برای رسیدن به هدف های تحصیلی اشاره دارد (علایی خرایم و همکاران، ۱۳۹۱).

پیشرفت تحصیلی

منظور از پیشرفت تحصیلی، موفقیت در امر تحصیل است که می تواند به مهارت در امری خاص یا تخصص در بخشی از دانش منجر شود. پیشرفت تحصیلی یا موفقیت تحصیلی، معلومات یا مهارت های اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوعات درسی است که معمولاً به وسیله آزمایش ها و نشانه ها یا هر دو که معلمان برای دانش آموزان وضع می کنند، اندازه گیری می شود. پیشرفت تحصیلی عبارت است از، محصول نهایی فرایند یادگیری فعال که با کمک آموزش فعالیت های تربیتی انجام می گیرد. همچنین، سرعتی که دانش آموز در تکمیل پایه ها و درجات گوناگون دارد و بر حسب مقدارش، پیش افتادگی و سرعت یا عقب ماندگی وی اندازه گیری می شود (تقی پور و همکاران، ۱۳۹۶).

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش ها در این نظام در واقع تلاش برای جامه عمل پوشاندن به این امر تلقی می شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان و جایگاه آن ها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (مرادی، ۱۳۹۱).

از موفقیت یا پیشرفت تحصیلی تعاریف دیگری وجود دارد. پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت دانش‌آموزان در یک یا چند موضوع درسی مثل درک، فهم، خواندن یا محاسبه عددی. چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمون‌های میزان شده تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین، این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می‌شود، دلالت دارد. در تعریفی دیگر، پیشرفت تحصیلی به جلوه‌ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش‌آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره‌ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره‌ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره‌های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون در نظر گرفت که مشهورترین آنها میانگین نمرات کل می‌باشد. علاوه بر این تعاریف، از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش و مفهوم انجام تکالیف و موفقیت دانش‌آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص یا موفقیت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب درسی استفاده می‌شود. وجه مخالف آن افت تحصیلی است که یکی از معضلات نظام آموزشی می‌باشد که به شیوه‌های گوناگون همچون عدم موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به هدف‌های مقاطع تحصیلی مربوطه، مردودی و تکرار پایه‌های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس، بیکاری و بلامتکلیفی خود را نشان می‌دهد. به طور خلاصه، نیل به اهداف آموزشی را به اصطلاح پیشرفت تحصیلی بیان می‌کنند (مرادی، ۱۳۹۱).

معیارهای پیشرفت تحصیلی

در مورد معیارهای پیشرفت تحصیلی می‌توان گفت که پیشرفت یا موفقیت تحصیلی از راه‌های مختلف و با معیارهای متفاوت مشخص می‌شود یکی از این معیارها، معدل دانش‌آموزان در یک نیم سال تحصیلی و محاسبه معدل یک سال وی است. معیار دیگر مشخص کردن پیشرفت تحصیلی، محاسبه نمرات دانش‌آموزان در یک درس است. شیوه دیگر، استفاده از مجموعه نمرات دروس یک سال می‌باشد و معیار آخر تعیین پیشرفت تحصیلی در طی چند سال و یا یک دوره تحصیلی است. اگر یک نمره از یک دوره تحصیلی یا میانگین از یک گروه از دروس مختلف در حیطه موضوعی خاص یا میانگینی از دوره‌های مختلف تحصیلی، ملاکی برای پیشرفت تحصیلی باشند، این ملاک‌ها مسایل و مشکلات تشخیصی را به دنبال خواهد داشت؛ مثلاً کاربرد یک نمره واحد از یک دوره تحصیلی ویژه دارای روایی و پایایی کم‌تری است تا نمره‌ای که بر اساس ترکیب چند نمره به دست می‌آید. کاربرد نمره‌های به دست آمده از دوره‌های مختلف تحصیلی در موضوعات مختلف نیز به منظور به دست آوردن معدل نمرات کلاس مسأله‌ای دشوار و غامض است، زیرا این گونه نمرات شامل نمراتی است که از دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی متفاوت به دست آمده‌اند و در یک مقیاس واحد ترکیب شده‌اند، در صورتی که هر یک از دانش‌آموزان می‌توانند سطوح متفاوتی از پیشرفت را در هر موضوع داشته باشند (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

سال‌های متممادی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روان‌شناسان اجتماعی مطالعات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام داده و همیشه این موضوع در نظر آن‌ها مطرح بوده است؛ چرا که پیشرفت تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می‌شود و پژوهش‌های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می‌توانند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر داشته باشند، مانند خانواده، محیط زندگی، مدرسه و برنامه‌های آموزشی اختصاص یافته است. مطالعه عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی مسأله پیچیده‌ای است؛ چرا که پیشرفت، عنصری چند بعدی است و به گونه‌ای ظریف به رشد جسمی، اجتماعی،

شناختی و عاطفی دانش آموزان مربوط است. در گذشته بسیاری از پژوهشگران روی تأثیر توانایی های ذهن و شناختی بر پیشرفت تحصیلی تأکید می کردند. به طور کلی عواملی که بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارند، به سه دسته تقسیم می شوند:

عوامل فیزیولوژیکی: این عوامل شامل متغیرهای بدنی و فیزیکی یادگیرنده از جمله سوء تغذیه و سلامت جسمانی می شود.

عوامل روان شناختی: این عوامل شامل متغیرهای روان شناختی از جمله، استعداد، خلاقیت خود پنداره، عزت نفس، نگرش نسبت به مسایل آموزشی، انگیزه پیشرفت، امکان کنترل و ویژگی های شخصی دیگر می شود.

عوامل محیطی: این عوامل در برگیرنده متغیرهای بیرونی شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی (درآمد، تحصیلات، محل زندگی) متغیرهای مربوط به خانواده (تعداد افراد خانوار، سبک فرزندپروری والدین، ارزش های فرهنگی خانواده) و متغیرهای مربوط به محیط مدرسه (شرایط مدرسه، مدیریت مدرسه، نگرش ویژگی های معلمان، فرهنگ و جو سازمانی مدرسه) می شود (تقی پور و همکاران، ۱۳۹۶).

تکالیف درسی

به عقیده کوپر (۲۰۰۷) تکالیف درسی برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، به ویژه دانش آموزان مقاطع بالاتر مفید است. لذا صاحب نظران بسیاری به اهمیت تکالیف در پیشرفت تحصیلی اشاره کرده اند. سو (۲۰۱۳) تکالیف را رایج ترین و گسترده ترین فعالیت آموزشی می داند که با چالش هایی همراه است و معتقد است که همه دانش آموزان حتی آن هایی که تکالیف را با معنا و جذاب می دانند با این چالش ها درگیرند. از چالش هایی که وی به آن ها اشاره می کند، بودجه بندی زمانی برای انجام دادن تکالیف و به تأخیر انداختن تکالیف تا لحظه آخر است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸).

باید افزود که سعی و تلاش دانش آموزان در انجام دادن تکالیف درسی به عوامل گوناگون بستگی دارد. وقتی که سطح تکالیف و زمان انجام دادن آن ها متناسب با توان و ظرفیت دانش آموز در نظر گرفته شود، دانش آموز از انتظارات معلم و والدین در مورد انجام دادن تکالیف آگاه باشد و احساس مسئولیت و شایستگی در انجام تکالیف داشته باشد، همه سعی و تلاش خود را به کار می برد تا بتواند تکالیف خود را به بهترین نحو انجام دهد (تراتوین و همکاران، ۲۰۰۶). ولی در بعضی مواقع دانش آموز به دلیل ناشی گری و عدم مهارت در انجام دادن تکالیف و ترس از رسوایی، تکالیف خود را به عقب می اندازد. تأخیر در شروع و اتمام سبب می شود که تا یادگیری در فرصت های مناسب از دست برود و فرد مطالعه و انجام دادن تکالیف را در زمان نامناسب و همراه با محدودیت زمانی پیگیری کند که این مسأله در فرایند یادگیری اختلال به وجود می آورد و موجب کاهش دقت، افزایش استرس و ارتکاب اشتباهات فراوان در انجام دادن تکالیف و فرایند یادگیری می شود (توکلی، ۱۳۹۲).

مسلم است که یکی از اهداف اختصاص دادن تکالیف خانه، پرورش توانایی کودکان برای مسئولیت پذیر شدن در زمینه فرایند یادگیری است (رامداس و زیمرمن، ۲۰۱۱). در ضمن تکالیف زمینه ای است که خانه و مدرسه را به هم پیوند می دهد و همکاری و مشارکت والدین عاملی مؤثر برای پیوند زدن این دو بافت اصلی یادگیری است (فیلیکس و همکاران، ۲۰۰۸).

دلایل انجام ندادن تکالیف و ارائه راهکار

اگر دانش‌آموزان بخواهند عملکرد خوبی در مدرسه داشته باشند باید بدانند که انجام دادن تکالیف، بخش مهمی از این فرآیند است. ما در این قسمت بخشی از این دلایل را همراه با راه‌های مقابله با آن‌ها برای دانش‌آموزان والدینشان ذکر کرده‌ایم:

فاقد دانش لازم هستید

اگر مدرسه می‌روید، به والدین و معلم خود اطلاع دهید که احساس می‌کنید مهارت یا دانش لازم برای تکمیل تکالیف را ندارید. از معلم خود راهنمایی بیشتری بخواهید تا خیلی عقب نمانید. ببینید آیا والدینتان می‌توانند زمانی برای کمک به شما پیدا کنند یا می‌توانید به دنبال یک معلم خصوصی بگردید. معلم‌ها در کنار شما هستند تا به شما کمک کنند مهارت‌هایی را توسعه دهید که به آن‌ها برای یادگیری دروس نیاز دارید. شما تنها کسی نیستید که احساس می‌کنید مهارت‌های لازم را ندارید، بنابراین از درخواست کمک خجالت نکشید. حتی ممکن است دوستان خوبی در هنگام مطالعه پیدا کنید که همین احساس را داشته باشند.

اعتماد به نفس ندارید

بسیاری از دانش‌آموزان خود را با همسالان مقایسه می‌کنند. این امر می‌تواند منجر به عدم اعتماد به نفس شود. وقتی این اتفاق می‌افتد، بهانه‌جویی برای انجام ندادن تکالیف آسان است. اما این چیزی است که باید بدانید: هر کسی نسبت به چیزی اعتماد به نفس ندارد. شما ممکن است در ریاضیات خوب باشید، اما به کمک بیشتری در درس زبان انگلیسی نیاز داشته باشید. شاید شما در جغرافیا عالی هستید، اما زیست‌شناسی برایتان گیج‌کننده است. اگر به توانایی خود در یادگیری یک موضوع خاص اعتماد ندارید، حتماً کمک بگیرید. معلمان، والدین و حتی دوستانتان به شما کمک خواهند کرد و روحیه لازم را به شما خواهند داد.

شلوغ بودن بیش از حد محل زندگی

یکی از بهانه‌هایی که معلم‌ها اغلب از دانش‌آموزان خود می‌شنوند این است که خانه خیلی شلوغ یا پر سر و صدا است و نمی‌توان تمرکز کرد. یافتن فضایی آرام و استفاده از گوش‌گیر یا هدفون‌های حذف نویز می‌تواند به کاهش حواس‌پرتی کمک کند. این کار انجام تکالیف را برای شما آسان‌تر می‌کند. اگر این راهکارها موثر نبودند، سعی کنید مکان جایگزینی برای انجام کار خود پیدا کنید، مانند کتابخانه یا خانه‌ی یک دوست. شما همچنین می‌توانید با والدین خود در مورد این موضوع صحبت کنید. ممکن است آن‌ها نسبت به دلایلی که شما را از انجام تکالیف مدرسه باز می‌دارد، آگاه نباشند. می‌توانید با مطالعه‌ی مقاله‌های «چگونه بدون حواس‌پرتی درس بخوانیم» و «چگونه هنگام مطالعه تمرکز کنیم: ۲۰ نکته موثر»، دقت و توجه خود را در هنگام مطالعه افزایش دهید. همچنین در این مقاله «کجا درس بخوانیم؟»، ۱۰ نکته برای ایجاد فضای مطالعه‌ی ایده‌آل ذکر شده است.

نمی‌دانید از کجا شروع کنید

احساس اضطراب، اغلب باعث می‌شود که دانش‌آموزان ندانند از کجا شروع به انجام تکالیف کنند. اگر تا به حال چنین احساسی داشته‌اید، پیشنهاد ما این است که:

یک نفس عمیق بکشید.

فضایی ایجاد کنید که بتوانید در آن فعالیت های خود را برنامه ریزی کنید. فهرستی از تمام وظایف و مهلت ارائه ی تکالیف خود تهیه کنید. هربار روی یک تکلیف کار کنید. با یک تکلیف آسان شروع کنید تا به یک برد سریع برسید، یا با چالش برانگیزترین تکلیف شروع کنید تا آن را از سر راه بردارید.

روش مطالعه ضعیفی دارید

بسیاری از دانش آموزان در طول سال های تحصیلی خود عادت های بدی در هنگام مطالعه پیدا می کنند. اگر نمی دانید این عادات بد شامل چه مواردی هستند، مقاله ی « ۸ عادت بد در هنگام مطالعه که باید فوراً ترک کنید » را بخوانید. همه به یک شکل یا با سرعت یکسان یاد نمی گیرند. به این ترتیب، هر دانش آموز باید روش مطالعه ی متفاوتی داشته باشد. اگر روشی که به کار گرفته اید نتیجه ای در بر ندارد، روش دیگری را امتحان کنید. اگر می خواهید به محض اینکه از مدرسه به خانه برگشتید، تکالیف خود را انجام دهید، اما نمی توانید تمرکز کنید، سعی کنید قبل از رفتن به محل مطالعه، یک میان وعده بخورید و چرت بزنید. اگر برای مطالعه تا دیر وقت بیدار می مانید، برای خود قانونی وضع کنید که در عرض یک ساعت پس از رسیدن به خانه شروع به انجام تکالیف کنید. یک برنامه ی منظم ایجاد کنید که در آن کار خود را تقریباً در یک زمان هر روز انجام دهید.

به مدرسه اهمیت نمی دهید

یک تصور غلط رایج این است که مدرسه مهم نیست و آنچه در این محیط یاد می گیرید پس از ترک مدرسه، دیگر به کار شما نمی آید. البته درست است که سیستم آموزشی قابلیت ارتقا دارد و کامل نیست، اما دانشی که در مدرسه به دست می آورید به شما کمک می کند تا دنیا را بهتر درک کنید. مطالعه ی مقاله « راهکارهای مقابله با احساس تنفر نوجوان از مدرسه » در این زمینه مفید خواهد بود. روند تبدیل شدن به یک دانش آموز موثرتر شما را به سمت ایجاد ویژگی هایی مانند نظم و انضباط شخصی و مسئولیت پذیری سوق می دهد. اینها انواع صفاتی هستند که برای موفقیت در هر مرحله از زندگی به آن ها نیاز دارید.

درس خواندن برای شما کسل کننده است

اگر متوجه شدید که انجام تکالیف برایتان جالب نیست، ممکن است زمان آن رسیده باشد که دیدگاه خود را تغییر دهید. ما شما را تشویق می کنیم که ذهنیت رشد را پرورش دهید. این طرز فکری است که در آن شما به جای گرفتن نمرات خوب، بیشتر روی فرآیند یادگیری تمرکز می کنید. به جای اینکه یک موضوع خاص را خسته کننده بدانید، تصمیم بگیرید که از نظر فکری در مورد آن کنجکاو بمانید. به یاد داشته باشید که دانش آموزانی که در مدرسه موفق می شوند، راه هایی برای انجام کار پیدا می کنند، حتی زمانی که موضوع را خسته کننده می دانند. قاب بندی مجدد نحوه ی تفکر شما در مورد یک موضوع، به شما امکان می دهد آن را جالب تر ببینید. به مرور زمان، دانش آموز بهتری خواهید شد. به عنوان مثال، اگر ریاضی را دوست ندارید، در نظر بگیرید که این درس فقط در مورد اعداد نیست بلکه ریاضی یک روش فکری است (موسوی، ۱۴۰۲).

نقش والدین بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان

از آنجایی که یکی از ابعاد مشارکت والدین در امور تحصیلی بعد عاطفی خانواده را در بر می گیرد، ایجاد محیط عاطفی و جو حمایت گرانه در محیط خانه و از طرفی حضور والدین در برنامه های فرهنگی تفریحی مدرسه و ارتباط مستمر با معلم و مدیر

مدرسه به طور کلی باعث بهبود روابط والدین و فرزند می شود و کودک در جریان تحصیل احساس حمایت می کند. لذا دانش آموزی که والدین او به طور فعال و مداوم در جریان اموز تحصیلی او قرار دارند و او را به روش های مختلفی حمایت می کنند، در جریان تحصیل اضطراب کمتری را تجربه خواهند کرد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸). محیط نقش اساسی در شکل دهی انگیزش تحصیلی دارد. با وجود این، اثر درگیری والدین بر انگیزش دوطرفه است. زمانی که محیط خانواده بازخوردهای معناداری در یک بافت خود تعیین گر و اطلاعاتی به کودک می دهد، انگیزش را افزایش می دهد، اما زمانی که محیط خانواده از طریق کنترل، نظارت شدید و پاداش کنترل کننده به عنوان بافت کنترل گر ادراک می شود، انگیزش کاهش می یابد. در تبیین این نتیجه می توان گفت که مشارکت والدین با تاثیر بر انگیزش دانش آموزان می تواند منجر به درگیری تحصیلی بیشتر آن ها؛ یعنی حضور بیشتر در کلاس و آمادگی بیشتر جهت انجام تکالیف تحصیلی، تلاش، علاقه بیشتر به یادگیری، احساس مسئولیت بیشتر برای آموزش خود، واکنش های مثبت نسبت به معلم، همکلاسی ها و مدرسه و در نهایت رضایت بیشتر از تکالیف می شود (پاولاکه- ایلی و تیردیا، ۲۰۱۵). یافته های پژوهشی پکران و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از آن است که انگیزه پیشرفت با یادگیری و پیشرفت تحصیلی و بروز افکار و هیجانات منفی چون استرس و اضطراب که منجر به افت عملکرد می شود، ارتباط دارد که بر این اساس افرادی که از انگیزه و میل به پیشرفت بالایی برخوردارند، در تمامی حوزه ها و به خصوص در زمینه تحصیل، پشتکار و تلاش بالایی خواهند داشت و در مواجهه با مسائل پیش بینی نشده به جای این که تحت تاثیر هیجانات و افکار منفی قرار گیرند، راهکارهایی هر چه بهتر را به کار می گیرند. چوآ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان داد که پیگیری والدین می تواند پیش بینی کننده برون دادهای آموزشی کودکان باشد و هر چه میزان مشارکت و پیگیری والدین بیشتر باشد، فرزندان آن ها از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردار خواهند بود. پژوهش علی آبادی (۱۳۹۳) نشان داد که مشارکت والدین باعث افزایش انگیزه و خودکارآمدی در دانش آموزان شده و همچنین والدین می توانند نقش مهمی در پیشبرد افزایش مهارت ها، سطح آموزش و موفقیت شغلی ایفا کنند و این خود بر پیشرفت دانش آموزان تاثیر دارد. کیفیت رابطه والدین بر انگیزه پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دانش آموزان تاثیر دارد (فرشاد و همکاران، ۱۳۹۴) و همچنین ایجاد فضاهای گرم و صمیمی در محیط های عاطفی خانواده که معمولا با ابراز محبت های منطقی نیز همراه است، موجب افزایش شوق و ذوق فرزندان نسبت به تحصیل، کاهش اضطراب و افزایش روحیه را فراهم می سازد (زین الدینی میمند و نصیرفام، ۱۳۹۳).

نقش والدین در انجام تکالیف مربوط به خواندن

عملکرد تحصیلی یکی از شاخص های مهم در ارزیابی دانش آموزان است که میزان آن با ارزیابی از نمرات و موفقیت تحصیلی و به عنوان ملاک ارزیابی و گزینش افراد، در زمینه رشته تحصیلی و شغل لحاظ می شود. بهبود و توسعه عملکرد تحصیلی فراگیران نیز یکی از اهداف اصلی مراکز آموزشی است، زیرا عملکرد تحصیلی افراد اساس موفقیت و پیشرفت در هر مقطع محسوب می شود. در میان مهارت های یادگیری آموزشگاهی، خواندن از جایگاهی ویژه برخوردار است (سوالندر و تاویه، ۲۰۰۷)، چرا که این مهارت اساسی ترین ابزار یادگیری دانش آموزان است. مهارت خواندن در زندگی انسان اهمیت بسیار دارد و روز به روز نیز با پیشرفت علوم و گسترش فناوری بر اهمیت آن افزوده می شود تا جایی که تسلط یافتن بر این مهارت و به کارگیری آن متضمن اغلب موفقیت های تحصیلی و علمی دانش آموزان است (غباری بناب و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین به دست آوردن این مهارت، مانند هر مهارت مهم دیگر، زمانبر است و باید یکی از مهم ترین هدف های آموزش و پرورش در نظر گرفته شود، زیرا مهارت در خواندن برای آموختن همه موضوع های درسی و غیر درسی ضروری است و کودکانی که نمی توانند پیشرفت تحصیلی مطلوبی داشته باشند، با سختی به تحصیل ادامه می دهند یا اغلب ترک تحصیل می کنند که این خود صدمات

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی- روانی بسیاری برای فرد و جامعه در پی دارد. لذا خواندن یا سواد خواندن، یکی از مهم ترین توانایی هایی است که در رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی کودک نقشی مؤثر دارد. مطالعه بین المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز) خواندن را این گونه تعریف می کند: توانایی درک و استفاده از قالب های نوشتاری زبان که مورد نیاز جامعه است یا فرد آن را ارزش گذاری می کند. نوآموزان با این توانایی می توانند معنای متون متفاوت را دریابند. آن ها برای یادگیری و شرکت در جامعه باسوادان یا برای سرگرمی و لذت می خوانند. پیشرفت خواندن در مطالعات پرلز به منزله درک جمله ها، معنا و مقصود پیام و سطحی از دستیابی به مهارت خواندن تعریف شده است و معمولاً از طریق بخش عملکرد مشخص می شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸).

زمانی که والدین بر فعالیت های یادگیری نظارت دارند و فعال اند کودک پاسخ هایی مناسب به فعالیت های مدرسه می دهد. یافته های پژوهش رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) نشان می دهد که در مورد نقش مشارکت والدین در نمره خواندن دانش آموزان، از میان ابعاد مشارکت والدین، بعد کنترل به صورتی منفی و بعد ساختار به صورت مثبت، سهمی معنادار در پیش بینی نمره خواندن دانش آموزان داشتند. این نتیجه با پژوهش دومونت و همکاران (۲۰۱۴) مبنی بر آنکه ارتباطات و مشارکت مؤثر والدین می تواند به بهبود خواندن در دانش آموزان بینجامد، همسوست. دانش آموزانی که والدینشان رفتار کنترلی داشتند در حوزه خواندن موفق عمل نکردند. در واقع والدین با رفتارهای کنترلی و سخت گیری های بیجا و بی مورد مانع از شکل گیری رفتارهای خود تنظیمی شده اند. فشارهای والدین برای خوب درس خواندن، ترس از ارتکاب اشتباه موقع خواندن و بازخورد فوری و منفی، منجر به افزایش اضطراب و پایین آمدن اعتماد به نفس و خودکارآمدی فرزندان می شود. تهدید و تنبیه و تذکرات مداوم به دانش آموز برای بهتر بودن در مدرسه، برای دانش آموزی که هنوز راهبردهای خود تنظیمی را یاد نگرفته است و به دلیل رفتارهای سخت گیرانه نمی تواند به راحتی با والدینش ارتباط برقرار کند و از آن ها کمک و راهنمایی بخواهد، سبب بی انگیزگی و بی علاقه ای او به خواندن می شود. این امر نیز سبب عملکرد ضعیف در مدرسه می شود. همچنین افت عملکرد تحصیلی در مدرسه رفتارهای کنترلی بیشتری را از سوی پدر و مادر در پی دارد. در پژوهش دومونت و همکاران (۲۰۱۴) نیز دانش آموزانی که در شروع دوره دوم ابتدایی در خواندن ضعیف تر بودند، در سال های قبلی بیشتر کنترل می شده اند و این کنترل زیاد منجر به افت عملکرد تحصیلی شده بود. اما این در حالی بود که دانش آموزانی که در خواندن، موفق بودند کمتر کنترل شده و در خانه نیز مسئولیت پذیرتر بودند. بنابراین زمانی که والدین حمایت گر باشند و به نیازهای فرزندان پاسخ دهند، از خودمختاری و شایستگی فرزندان حمایت می کنند. این رفتار صمیمانه و حمایت کننده سبب افزایش علاقه مندی به درس می شود و دانش آموزان در حوزه خواندن و انجام دادن تکالیف پیشرفت می کنند. در واقع ارتباطی معنادار میان سطح مشارکت والدین و سطح انگیزش درونی برای خواندن، نوشتن و نتایج آموزشی دانش آموزان وجود دارد. دخالت و مشارکت والدین در مدرسه یک نیروی پویای مؤثر بر دانش آموزان است که به موفقیت تحصیلی در خواندن منجر می شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸).

در زمینه بعد ساختار شایان ذکر است که نمود مشارکت والدین در رفتارهایی همچون علاقه به پیشرفت و ترقی فرزندان، فراهم کردن امکانات رشد و پرورش، اختصاص زمان و منابع در تعلیم و تربیت، توجه به علایق فرزندان و آگاهی از شیوه های یادگیری و مشارکت در فعالیت های تحصیلی قابل مشاهده است. علاوه بر آن زمانی که والدین به ایجاد محیطی مناسب و ساختارمند، در خانه اقدام کنند، محیطی که بازخوردهای روشنی به منظور اکتساب پیامد مطلوب، در اختیار کودکان قرار دهد، این امر می تواند به بهبود عملکرد خواندن بینجامد. اینکه کودکان در خانه به طور مستقیم با کتاب در ارتباط باشند، نقشی مهم در

رشد مهارت‌های خواندن آنان دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). والدین اگر در سنین پایین کودکی به طور مرتب برای فرزندانشان کتاب بخوانند و در سنین مدرسه، کتاب داستان‌های مناسبی در اختیار فرزندانشان قرار دهند سبب رشد مهارت روان خوانی فرزندانشان خواهند شد. از این رو پیش‌بینی مثبت نمره خواندن از طریق بعد ساختار از ابعاد مشارکت والدین در انجام دادن تکالیف درسی، منطقی‌تر به نظر می‌رسد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸).

نقش والدین در ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای انجام تکالیف

درگیری والدین در منزل یعنی کمک کردن به انجام تکالیف منزل با انگیزش خودمختاری دانش‌آموزان (نوعی از انگیزش که برای یادگیری پیشرفت و افزایش علاقه به مطالب درسی مفید است) ارتباط دارد (کاتز و همکاران، ۲۰۱۰)؛ یعنی به ویژگی‌های محیطی که انگیزش خودمختاری دانش‌آموزان را برای انجام تکالیف افزایش می‌دهد، توجه می‌شود. مطالعاتی که نقش والدین در انگیزش پیشرفت کودکان را مورد بررسی قرار داده‌اند، بیشتر به ویژگی‌های والدین مثل، آموزش، سطح اقتصادی و اجتماعی و کیفیت روابط آن‌ها با فرزندانشان پرداخته‌اند که به نوبه خود با پیشرفت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط دارد (عادلی و همکاران، ۱۳۹۹).

نظریه خود تعیین گری بیان می‌کند که رفتار والدین، انگیزش کودکان را از طریق حمایت از نیازهای روان شناختی؛ خودمختاری، شایستگی و تعلق ارتقا می‌دهد. شایستگی درک شده توسط والدین، به عنوان یک مؤلفه انگیزشی مرکزی که بر سطح و کیفیت درگیری در رفتار تأثیر می‌گذارد، در نظر گرفته می‌شود. این شایستگی ادراک شده هنگام کمک کردن به فرزندانشان با سطح و نوع درگیری آن‌ها با فرزندانشان ارتباط دارد. والدینی که شایستگی پایینی ادراک می‌کنند، هنگام درگیری در تکالیف منزل با فرزندانشان، تمایل به درگیری با افکار منفی هنگام ارتباط با فرزندانشان دارند و توجه و مهارت‌های حل مسئله کمتری را هنگامی که با تکالیف فرزند خود درگیر هستند، به کار می‌گیرند. این شایستگی ادراک شده پایین، باعث می‌شود که والدین از کمک کردن به فرزندانشان خود در تکالیفشان اجتناب کنند و با آن‌ها به گونه‌ای رفتار کنند که به انگیزش آن‌ها برای انجام تکالیف لطمه وارد شود. در مقابل، والدین با شایستگی درک شده بالا، راحت‌تر درگیر تکالیف فرزندانشان می‌شوند و با آن‌ها با گرمی رفتار می‌کنند، کمتر آن‌ها را کنترل می‌نمایند و این رفتار والدین برای احساس شایستگی کودک برای انجام تکالیف مفیدتر است. نوع نگرش و ارزشی که والدین برای انجام تکالیف منزل توسط فرزند خود دارند، بر سطح و کیفیت درگیری آن‌ها هنگام کمک کردن به فرزندانشان و بر انگیزش فرزندانشان آن‌ها برای انجام تکالیف تأثیرگذار است. پژوهش‌های زیادی به این نتیجه دست یافتند که نگرش‌های مثبت والدین نسبت به تکالیف (باور والدین به این موضوع که تکالیف به یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند) با پافشاری مکرر دانش‌آموزان برای انجام تکالیف و با نمرات بالا در دوره ابتدایی ارتباط دارد. نگرش‌های والدین نسبت به تکالیف، به طور مستقیم با نگرش‌های مثبت دانش‌آموزان و پایداری آن‌ها در انجام تکالیف ارتباط دارد. نگرش‌های والدین نسبت به تکالیف به احتمال زیاد با تأکیدی که والدین در مورد اهمیت تکالیف می‌کنند، ارتباط دارد هنگامی که والدین اعتقادشان بر این است که تکالیف ارزش انجام دادن به خاطر خودشان را دارند و فقط به خاطر انطباق پیدا کردن با قوانین و الزامات مدرسه نیستند، آن‌ها بر این توجیه تأکید دارند و افزایش خودمختاری دلیل درگیری آن‌ها در تکالیف است. یک متغیر انگیزشی دیگر، انگیزش خودمختار والدین است. حمایت از خودمختاری؛ یعنی این که والدین تا چه میزانی برای کودک ارزش قائل می‌شوند، کودک را برای حل مسئله تشویق می‌کنند، به آنان حق انتخاب و شرکت در تصمیم‌گیری می‌دهند. نظریه خود تعیین گری بیان می‌کند، درگیری والدین در تکالیفی که کودکان انجام می‌دهند از نیازهای

روان شناختی اساسی آن‌ها؛ یعنی نیاز به خودمختاری، شایستگی و احساس تعلق حمایت می‌کند. وقتی فرد آزادانه دست به انتخاب می‌زند و والدین دیدگاه‌های او را درک می‌کنند، نیاز به خودمختاری در او رشد می‌یابد، وقتی به طرح‌ریزی برای حل مسئله کمک می‌کند و بر آن مسئله تسلط می‌یابد و والدین هم به او بازخوردهای شکل دهنده و نه مقایسه‌ای می‌دهند، احساس شایستگی می‌کند و هنگامی که با افراد مهم زندگی ارتباط برقرار می‌کند، از حمایت آن‌ها برخوردار می‌شود و مقایسه و رقابت برای آن‌ها به کار گرفته نمی‌شود، احساس تعلق در آن‌ها رشد می‌یابد. به این ترتیب نوع انگیزشی که والدین هنگام درگیر شدن در تکالیف دارند با رفتارهای آن‌ها در رفع نیاز فرزندانشان هنگام انجام تکالیف و با نوع انگیزش کودک برای انجام دادن تکالیف در ارتباط است (عادلی و همکاران، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های یک مدرسه موثر، مشارکت والدین و جامعه در آن است. در چنین مدرسی خانواده، کودک و جامعه در فعالیت‌های آموزش، یادگیری و همچنین فرآیندهای تصمیم‌گیری مدرسه شرکت دارند. والدین در حقیقت نقش عمده‌ای در تحول تحصیلی ایفا می‌کنند و کمک کردن در تکالیف درسی را رایج‌ترین شیوه مشارکت در نظر می‌گیرند. والدین اولین و مهم‌ترین معلم کودکان هستند. مشارکت والدین در یادگیری فرزندشان می‌تواند به بهبود عملکرد آن‌ها در مدرسه کمک کند. مشارکت والدین در انجام تکالیف باعث می‌شود که کودکان مطالب را بهتر درک کنند و همچنین با اعتماد به نفس بالاتری در کلاس حضور پیدا کنند و این باعث ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی در آن‌ها و در نهایت باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود. منظور از پیشرفت تحصیلی، موفقیت در امر تحصیل است که می‌تواند به مهارت در امری خاص یا تخصص در بخشی از دانش منجر شود. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون در نظر گرفت که مشهورترین آن‌ها میانگین نمرات کل می‌باشد. علاوه بر این تعاریف، از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش و مفهوم انجام تکالیف و موفقیت دانش‌آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص یا موفقیت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب درسی استفاده می‌شود. زمانی که والدین بر فعالیت‌های یادگیری نظارت دارند و فعال‌اند کودک پاسخ‌هایی مناسب به فعالیت‌های مدرسه می‌دهد. درگیری و مشارکت والدین در منزل یعنی کمک کردن به انجام تکالیف منزل که با انگیزش خودمختاری دانش‌آموزان (نوعی از انگیزش که برای یادگیری پیشرفت و افزایش علاقه به مطالب درسی مفید است) ارتباط دارد. نگرش‌های والدین نسبت به تکالیف به احتمال زیاد با تأکیدی که والدین در مورد اهمیت تکالیف می‌کنند، ارتباط دارد هنگامی که والدین اعتقادشان بر این است که تکالیف ارزش انجام دادن به خاطر خودشان را دارند و فقط به خاطر انطباق پیدا کردن با قوانین و الزامات مدرسه نیستند، آن‌ها بر این توجیه تأکید دارند و افزایش خودمختاری دلیل درگیری آن‌ها در تکالیف است. طبق مطالعات انجام گرفته مشخص شد که مشارکت والدین در آموزش فرزندشان، صرف نظر از سن یا وضعیت اجتماعی-اقتصادی کودک، کاری بسیار مفید است.

منابع

- ادیب، یوسف و مردان اربط، فاطمه (۱۳۹۴). تجارب والدین از مشارکت در امر تحصیل فرزندان. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۱)، ۶۹-۹۶.
- بلاغت، سیدرضا؛ هاشمی، سیداحمد و بهمنی، مصطفی (۱۳۹۱). والدین و آموزش و پرورش (مشارکت والدین در مدارس). انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- تقی پور، حسینعلی؛ کشاورز لشکناری، روح اله و یوسف رشیدی، علی اصغر (۱۳۹۶). دانش محتوایی روش های معلمی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی. کنفرانس پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی.
- توکلی، محمدعلی (۱۳۹۲). بررسی شیوع اهمال کاری تحصیلی در بین دانشجویان و ارتباط آن با ویژگی های جمعیت شناختی، ترجیح زمان مطالعه و هدف ورود به دانشگاه. فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۹(۲۸)، ۹۹-۱۲۱.
- حسینی، میترا و سامانی، سیامک (۱۳۹۱). ارتباط ابعاد کارکرد خانواده و خودتنظیمی فرزندان. فصلنامه خانواده پژوهی، ۳۱، ۳۰۵-۳۱۷.
- رحیمی، مهدی؛ شیربند، الهام و اسعدی، سمانه (۱۳۹۸). بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام دادن تکالیف درسی با عملکرد تحصیلی در حوزه خواندن دانش آموزان پایه ششم. نشریه خانواده و پژوهش، شماره ۴۵، ۸۲-۶۵.
- رحیمی، مهدی؛ رسولی فتح آباد، فاطمه و زارع، مریم (۱۳۹۸). تاثیر آموزش مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی بر انگیزش پیشرفت و اضطراب مدرسه دانش آموزان. مجله ی روانشناسی مدرسه، ۸(۴)، ۹۲-۱۱۱.
- زلالی، بهروز و قربانی، فاطمه (۱۳۹۳). مقایسه انگیزش تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانش آموزان با و بدون نارساخوانی. مجله ناتوانی های یادگیری، ۳(۴)، ۴۴-۵۸.
- زین الدین میمند، فاطمه و نصیرفام، ناهید (۱۳۹۳). بررسی نقش حمایت اجتماعی (معلم- والد) و کارکرد خانواده بر کاهش اضطراب مدرسه. نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی، مردودشت: شرکت اندیشه سازان مبتکر جوان.
- عادلی، تینا؛ طالع پسند، سیاوش و نظیفی، مرتضی (۱۳۹۹). نقش انگیزش والدین در انگیزش خودمختار دانش آموزان برای انجام تکالیف شب: آزمون مدلی بر اساس نظریه خود تعیین گری. فصلنامه پژوهش های کاربردی روان شناختی، ۱۱(۱)، ۱۶۸-۱۵۱.
- علایی خرایم، رقیه؛ نریمانی، محمد و علایی خرایم، سارا (۱۳۹۱). مقایسه ی باورهای خودکارآمدی و انگیزه ی پیشرفت در میان دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. مجله ناتوانی های یادگیری، ۱(۳)، ۸۵-۱۰۴.
- علی آبادی، فاطمه (۱۳۹۳). تعیین نقش میانجی انگیزش تحصیلی در رابطه بین مشارکت والدین و پیشرفت تحصیلی. نخستین همایش ملی توانمندسازی فردی اجتماعی افراد با نیازهای ویژه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاینات.
- غباری بناب، باقر؛ افروز، غلامعلی؛ حسن زاده، سعید؛ بخشی، جعفر و پیرزادی، حجت (۱۳۹۱). تاثیر آموزش راهبردهای فراشناختی فعال تفکرمدارانه و خود نظارتی بر درک مطلب دانش آموزان با مشکلات خواندن. مجله ناتوانی های یادگیری، ۱(۲)، ۷۷-۹۷.

فرشاد، محمدرضا؛ سلیمی بجستانی، حسین؛ اسماعیلی، کوروش و حبیبی، یوسف (۱۳۹۴). اثرات مستقیم و غیر مستقیم کیفیت رابطه والدین (پدر و مادر)، انگیزه پیشرفت و انگیزه تحصیلی بر عزت نفس دانش آموزان. روانشناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی)، ۳۶(۱۱)، ۱-۱۶.

قاسمی، محمود؛ میرزاخانی، علیرضا و فرزاد، ولی الله (۱۳۹۲). تاثیر سواد والدین بر عملکرد سواد خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی (بر اساس مطالعات پرلز ۲۰۰۶). مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۲)، ۲۴۴-۲۲۵.

مرادی، شیوا (۱۳۹۱). پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. آدرس اینترنتی:

www.eloquent.persianblog.ir

موسوی، مینا (۱۴۰۲). ۱۱ دلیل برای انجام ندادن تکالیف (و روش مقابله با آن‌ها).

<https://blog.taraz.org/%>

Bang, H. J. (2011). What makes it easy or hard for you to do your homework? An account of newcomer immigrant youths' afterschool academic lives. *Current Issues in Education*, 14, 1–26.

Castro, M. X., pasito- Cassas, E., Lopez – martin, E., Lizasoain, L., Navarro, E., & Gari, L. (2015). Parent involvement on student academic achievement: A meta – analysis. *Educational Research Review*, 38(3), 183–197.

Chowa, G., Ansong, D., & Akoto, I. (2012). Parental involvement and academic performance in Ghana. *Youthsave Research Brief*, 1, 12-42.

Cooper, H., & Valentine, J. C. (2001). Using research to answer practical questions about homework. *Educational Psychologist*, 36(3), 143-153.

Dumont, H., Trautwein, U., Nagy, G., & Nagengast, B. (2014). Quality of parental homework involvement: Predictors and reciprocal relations with academic functioning in the reading domain. *Journal of Educational Psychology*, 106(1), 144-161.

Dumont, H., Trautwein, U., Nagy, G., & Nagengast, B. (2014). Quality of parental homework involvement: Predictors and reciprocal relations with academic functioning in the reading domain. *Journal of Educational Psychology*, 106(1), 144-161.

Felix, N., Dornbrack, J., & Sheckle, E. (2008). Parents, homework and socio-economic class: Discourses of deficit and disadvantage in the "new" South Africa. *English Teaching: Practice and Critique*, 7(2), 99-112.

Fitzgerald, D. (2004). *Parent Partnership in the Early Years*. London: Continuum.

Hudson, J. L. (2013). Parent -child relationships in early childhood and development of anxiety & depression. *Encyclopedia on Early Childhood Development*.

Katz, I., Kaplan, A., & Guetta, G. (2010). Students' needs, teachers' support, and motivation for doing homework: A cross-sectional study. *Journal of Experimental Education*. 78(2), 246-267.

- Pavalache-Ilie, M., & Tîrdia, F-N. (2015). Parental involvement and intrinsic motivation with primary school students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 187, 607 – 612.
- Pekrun, R., Goetz, T., Frenzel, A., Barchfeld, P., & Perry, R. (2011). Measuring emotions in students learning and performance. *Contemporary Educational Psychology*, 36, 36-48.
- Ramdass, D., & Zimmerman, B. J. (2011). Developing self-regulation skills: The important role of homework. *Journal of Advanced Academics*, 22(2), 194-218.
- Swalander, L., & Taube, K. (2007). Influences of family based prerequisites, reading attitude, and self-regulation on reading ability. *Contemporary Educational Psychology*, 32(2), 206-230.
- Trautwein, U., Lüdtke, O., Schnyder, I., & Niggli, A. (2006). Predicting homework effort: Support for a domain-specific, multilevel homework model. *Journal of Educational Psychology*, 98(2), 438-456.